

■ «فرهنگ»، میراث گران بها و حاصل هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. هر نسلی، اندوخته‌های فرهنگی و تجارب زندگی خویش را با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی منتقل می‌سازد. نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می‌دهد این جریان، همواره در طول تاریخ ادامه داشته است. همان‌گونه که شخصیت یک فرد، حاصل تجربیات فردی او است و موجب امتیازش از دیگر افراد می‌شود، فرهنگ یک جامعه نیز حاصل هزاران سال تجربه تلخ و شیرین آن جامعه است و این فرهنگ جامعه است که هویت آن را شکل داده و آن را از جوامع دیگر، متمایز می‌سازد. این فرهنگ و قضای فرهنگی، چونان فضای اطراف، ما را کاملاً احاطه کرده و در تمام صحنه‌های زندگی فردی و اجتماعی خود، آن را لمس کرده و از آن تأثیر می‌پذیریم.

این فرهنگ، بسان هر کالای گران‌بهای دیگر، همواره در معرض خطر دستبرد راهزنان و شیادان قرار داشته است؛ به ویژه در قرون اخیر، کشورهای قدرت‌مند و استعمارگر جهان، به دو دلیل عمده، سعی در انهدام و نابودی فرهنگ‌های جوامع و ملل دیگر داشته‌اند:

الف) دست‌یابی به اغراض سیاسی و اقتصادی. استعمارگران برای آن‌که سرنوشت یک ملت را به دست گرفته، از منابع عظیم مادی و معنوی آنان به نفع خویش بهره‌برداری کنند، در گام نخست، تلاش می‌کنند تا موانع فرهنگی را که جدی‌ترین مانع بر سر راه آن‌ها به حساب می‌آید، از سر راه خویش بردارند. بدین منظور، از ابزار و شیوه‌های گوناگون، به‌ویژه برنامه‌های به ظاهر جذاب ماهواره‌ای، فرهنگ بومی را تضعیف و فرهنگ خویش را ترویج می‌کنند. بدین ترتیب، مردم کشورهای مورد تهاجم، از فرهنگ خویش فاصله گرفته، با آن بیگانه شده و به فرهنگ بیگانه و استعماری روی می‌آورند.

ب) جهانی کردن فرهنگ غربی و امریکایی. در سال‌های اخیر، برای سردمداران کشورهای سلطه‌گر، خود جهانی کردن فرهنگ غربی، اهمیت بسیاری پیدا کرده است. این نظر، علاوه بر استفاده از

وسایل سیاسی، تبلیغاتی و صنعتی، با نظریه‌های شبه علمی نیز پشتیبانی می‌شود. مثلاً، نظریه «دهکده جهانی» مک لوهان و امثال آن، با صراحت سعی بر آن دارد که زمینه را برای پذیرش فرهنگ غربی مساعد کرده و از حساسیت‌هایی که ممکن است در مقابل آن ابراز شود، بکاهد.

بنابراین، در اثر این هجمه فرهنگی دشمن، مردم نخست دچار احساس شک و تردید در مثبت بودن فرهنگ ملی و دینی خود شده و باورهایشان را نسبت به کارایی فرهنگ خویش از دست می‌دهند و سپس، به تدریج، آماده تمایل و جذب فرهنگ بیگانه - دست‌کم جنبه‌هایی از آن - می‌شوند و این همه، حاصل برنامه‌های حساب شده ماهواره است.

■ انواع برنامه‌های ماهواره‌ای

می‌توان برنامه‌هایی که از طریق ماهواره پخش می‌شود، به دو دسته تقسیم کرد:

۱. برنامه‌هایی که اطلاعاتی را از فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون به ما می‌دهد؛ از قبیل اخبار، گزارش، فیلم‌های مستند اطلاعات علمی و مانند آن.

۲. برنامه‌های مبتذل اخلاقی، مذهبی و سیاسی در قالب مصاحبه، فیلم و گزارش.

می‌توان به دسته اول، از زاویه روابط میان فرهنگ‌ها نگاه کرد و به دسته دوم، از زاویه تقابل میان فرهنگ‌ها.

برنامه‌های دسته دوم، مورد اعتراض حتی کارشناسان خارجی هم هست؛ زیرا بسیاری از شبکه‌های ماهواره‌ای، به‌جای دولت، در اختیار بخش خصوصی است و غالب آن‌ها برای جلب مشتری بیشتر، به تهیه این‌گونه برنامه‌های تخریبی مبادرت می‌ورزند.

بدیهی است که در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره، مطالب جالب و موضوعات مفیدی نیز مطرح می‌شود؛ مثل نحوه پیش‌گیری یا مهار حوادث و بلایای طبیعی، و پیش‌بینی وقوع زلزله و ... اما واقعیت این است که در برنامه‌های دسته نخست نیز اخبار و گزارش و حتی فیلم‌های آموزنده با القای اندیشه‌های خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

و شگردهای گوناگون خبرپراکنی و

سانسور و بزرگ‌نمایی در موارد

دلخواه، تجزیه و

تحلیل‌های نادرست و تحمیل فرهنگ پوچ غربی همراه است. درباره برنامه‌های دسته دوم، کافی است به چند گزارش در این زمینه توجه شود:

- «یکی از مسلمانان هندی در نامه‌ای به روزنامه اردوزبان (Revolution) نوشته است: امروز ماهواره‌ها مشکل کسانی را که به خاطر حفظ آبرو، زنان و دختران خود را به سینما نمی‌برند، دو چندان کرده است؛ چون فساد را به سینما محبوس بود، اینک به داخل خانه‌ها آمده است و ماهواره‌ها، زنان برهنه و یا نیمه عریان را که در آغوش مردان جای گرفته‌اند، به نمایش می‌گذارند و ما نیز با محارم خود در خانه‌هایمان به تماشای آن‌ها می‌نشینیم. اهل دنیا، تحت پوشش هنر، این‌گونه هنرپیشه‌ها را ارج می‌نهند؛ اما آن‌ها در واقع، عزت و آبرو ندارند. این برنامه‌های تلویزیونی، مسلمانان را از مذهب و دین دور می‌کند و لذا، قبل از هر کاری باید این شیطان را از خانه دور انداخت و کمی هم به فکر آخرت افتاد.»^۲

- یکی از روزنامه‌های کشور عربستان به نام «المسلمون» در سلسله گزارش‌های خود با عنوان «مهاجمان از پشت‌بام‌ها می‌آیند»، پیامدهای منفی این‌گونه برنامه‌ها را از زبان متخصص مطرح کرد.^۳

برای پی‌بردن به محتوای برنامه‌های جذاب ماهواره‌ای که هدف عمده پیام‌های ماهواره‌ای است، کافی است ببینیم رقابت این برنامه‌ها در چیست؟ آیا جز در مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی و سرگرم کننده است؟ این بدان معناست که برنامه‌های ماهواره‌ای، عمدتاً علمی و آموزشی نیست و از این‌رو، تبلیغات غربی، مبنی بر این‌که منع استفاده از ماهواره، به منزله مخالفت با آزادی و برنامه‌های علمی است، بی‌اساس است؛ زیرا مسئله ممنوعیت آنتن‌های ماهواره‌ای، ممنوع کردن بخشی از معارف و یا فنون بشری نیست، مسئله اتخاذ تصمیم درباره یک «رفتار اجتماعی» است.

شگردهای تبلیغی هنری برای نفوذ

به شگردهای گوناگون تبلیغی در برنامه‌های ماهواره‌ای، به اختصار اشاره می‌شود تا مشخص شود، آیا این برنامه‌ها به رشد جوامع بشری کمک می‌کند یا انحطاط اخلاقی آن‌ها را تسریع می‌بخشد:

■ خبر و گزارش؛ اما...

با دقت در اخبار و گزارش‌ها و همچنین مصاحبه‌هایی که درواقع، منابع اطلاعاتی بینندگان تلویزیون‌های ماهواره‌ای هستند، در می‌یابیم که آن‌ها همواره در انتخاب اخبار، سیاست «سانسور حقایق» را به شدت دنبال می‌کنند؛ از آن جمله:

- بزرگ‌نمایی واقعیت‌های کوچک برای

پنهان کردن واقعیت‌های بزرگ‌تر؛

- انکار یا حذف بخشی از حقایق یک

موضوع برای تحریف همه آن حقیقت؛

- بیان یک حقیقت، همراه با تجزیه و تحلیل ویژه آن، برای تخریب اصل موضوعی دیگر؛
- اظهار یک حقیقت و ترکیب آن با دروغ‌های گوناگون، برای محو آثار و پی‌آمدهای آن حقیقت؛
- انتخاب واژه‌های منفی برای بیان یک حقیقت ارزشمند، با هدف ایجاد دافعه در شنوندگان، نسبت به آن حقیقت؛
- القای اندیشه‌های خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، تاریخی و علمی، در قالب «خبر و گزارش»؛
- تخریب شخصیت‌های مفید و ترویج عناصر فاسد، به وسیله انتشار مطالبی درباره آن‌ها.

هر کس با این منابع به اصطلاح‌خبری مرتبط شود، گرچه فقط اندکی از دروغ‌پراکنی‌ها و تحريفات آن‌ها را به مرور زمان باور کند و اندیشه‌های خود را بر اساس آن بنا نهد، خواسته یا ناخواسته از اهداف آن‌ها پیروی خواهد کرد؛ بویژه با توجه به برخی اصول روان‌شناسی، در شکل‌گیری برداشت‌ها - که حتی اگر اطلاعات درست بعدی هم در اختیار مخاطبان قرار گیرد، اطلاعات نادرست اولیه اثر خاص خود را خواهد بخشید.

■ برنامه‌های ورزشی یا نمایشی؟!

برنامه‌های ورزشی، بخش عمده‌ای از محتوای تلویزیون‌های ماهواره‌ای را تشکیل می‌دهد که توجه به نکات زیر، در بررسی آن‌ها ضروری است:

- غالب این برنامه‌ها، بیش از آن که «ورزش» را ارائه دهد، بر جنبه‌های «نمایشی» تکیه می‌کند؛
- هنگام پخش برنامه‌های ورزشی و در لابلای آن، ترویج الگوهای لباسی و دیگر وسایل ورزشی، رقص و آواز، پخش شعارهای منفی بسیار دیده می‌شود؛
- از ورزش‌کارانی که از نظر افکار و اعمال، فاسد و ناشایست‌اند، بت ساخته می‌شود که این امر، خطر عمده‌ای برای نسل جوان در پی دارد؛
- برهنگی زنان در قالب ورزش، به نحوی که زن ورزش‌کار در ذهنیت بیننده تنها در پرتو برهنگی او پذیرفته می‌شود و به مرور زمان، برهنگی زنان برای بینندگان، مقبول و بدیهی می‌نماید؛

- ورزش، هدف اصلی مطرح می‌شود و در نتیجه، پیروزی در آن، پیروزی در همه چیز و باخت در میدان ورزش، از دست دادن همه چیز تلقی می‌شود.

■ میزگردها و بمباران فرهنگی

مباحث اجتماعی و فرهنگی و حتی مسائل دینی و اخلاقی در قالب‌های «مباحثه»، «طرح نظریه»، «میزگرد»، «نظرسنجی»، «توضیح کارشناسان» و مانند آن، پی‌آمدهای ویران‌گری به همراه دارد و نمی‌توان آن را تبادل فرهنگی نامید؛ زیرا گویندگان این برنامه‌ها متکلم وحده هستند و مخاطبان، فقط شنونده و بیننده، آن‌ها هرگز افکار

و نظریات مخاطبان را منعکس نمی‌کنند؛ بلکه چنان بیننده را با نظریات مشابه و رنگارنگ، بمباران فکری می‌کنند که فرصت تأمل و مقایسه حق و باطل را از او می‌گیرند.

■ فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی

فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی که بیش‌ترین بیننده را از طیف‌های گوناگون در سراسر جهان دارد، عمدتاً ترکیبی از چند موضوع و عامل را در قالب‌های گوناگون عرضه می‌کنند:

۱. خدشه‌دار کردن هر آن‌چه برای انسان‌ها تاکنون مقدس و خدشه‌ناپذیر بوده است
۲. محور قراردادن برهنگی زنان و شهوت‌گرایی مردان و خلاصه کردن رابطه زن و مرد به مسئله لذت جنسی
۳. القای ناامیدی از آینده بشریت و ایجاد یأس از روند تاریخ و حرکت جوامع بشری
۴. ایجاد ترس و وحشت در بیننده بر اثر تماشای صحنه‌های هولناک با بهره‌گیری از تغییر نور و رنگ تصاویر و پخش آهنگ‌های هیجان‌آور به منظور تحریک سلسله اعصاب بینندگان تا در نهایت، اراده و استحکام روانی را از او سلب کنند
۵. توجیه خشونت‌های وحشیانه به مثابه راه‌حل نهایی برای رفع اختلافات میان آدمیان، حتی در قالب فیلم‌های کارتون و بازی‌های رایانه‌ای

عمر عادی نشان دادن توطئه‌های رنگارنگ، فتنه‌گری‌ها، کلاهبرداری‌ها و همه رذایل اخلاقی در قالب ارتباط میان شخصیت‌های فیلم‌ها که پدیدآورنده بدبینی و سوء ظن در بیننده نسبت به دیگران می‌شود

۷. ترویج فحشا و منکرات در زشت‌ترین نوع آن در قالب داستان‌های جذاب و به کمک توجیهات روان‌شناسانه، نظیر انواع تجاوزات جنسی، هم‌جنس‌بازی و...

۸. ایجاد ناامیدی نسبت به اجرای ارزش‌های انسانی و فضایل اخلاقی در جوامع بشری

۹. القای برتری‌های نژادی یهود بر دیگران و تحریک قوم‌ها و نژادها و ملت‌ها بر علیه یکدیگر

۱۰. القای برتری‌گرایی‌ها در برابر شرقی‌ها و یا القای برتری نظام‌های سیاسی غرب در برابر غیر آن و ترویج افکار انسان‌مداری به جای خدامحوری در برابر اندیشه‌های الهی که در بسیاری از فیلم‌ها جلوه‌گری می‌کند

■ تقابل فرهنگ دینی با فرهنگ غربی در برنامه‌های ماهواره‌ای

توجه به نمونه‌هایی از فرهنگ مهاجمان، ادعای ما را تأیید می‌کند:

- در فرهنگ ما پوشیدگی ارزش است؛ در فرهنگ غربی، برهنگی ارزش و عامل ارتقای شخصیت زن می‌باشد؛
- رازداری و پرده‌پوشی در مسائل شخصی برای ما یک فضیلت است؛ در برنامه‌های تلویزیونی غرب، افشاگری و پرده‌داری، نشانه شجاعت و استحکام شخصیت افراد به شمار می‌رود؛
- ما عفاف و پرهیز از جلوه‌گری زنان را

ارج می‌نهیم؛ آن‌ها جلوه‌گری و خودارایی زنان را بالاترین امتیاز تلقی می‌کنند؛

- ما تفاهم و حفظ آرامش و صلح را در میان افراد، اعم از پیران، جوانان و کودکان، در کنار پیروی از ارزش‌های دینی ضروری می‌شناسیم؛ اما آنان همواره در پی طرح اختلاف و تضاد میان نسل‌های جامعه هستند و تشنج‌گرایی را با پیروی از اصل «تکیه بر تضاد و تضارب میان نسل‌ها» دنبال می‌کنند؛

- ایثارگری و حفظ منافع دیگران در مکتب و فرهنگ ما ارزش والایی دارد؛ ولی در فرهنگ غرب، فردگرایی و امتیازطلبی، محور همه کارهاست؛

ما کمال‌جویی، ارزش‌گرایی و معنویت‌طلبی را موجب سعادت می‌دانیم؛ آن‌ها بیننده را به سوی سرگرمی‌های بی‌ارزش، لذت‌های زودگذر، رویاهای دروغین و مادی‌گری محض سوق می‌دهند؛

- برای ما «عشق»، جلوه‌ای آسمانی دارد؛ اما آن‌ها عشق را در حیوانی‌ترین مرحله ممکن، تعبیر و تفسیر می‌کنند؛

- خلاصه آن‌که، همت ما در شکوفایی استعدادهای خدادادی انسان‌ها، تقویت قوه عقلانی و تهذیب نفسانی است؛ در حالی که تلاش غربی‌ها برخاسته از فرهنگشان در تحریک قوای نفسانی و تخریب نیروهای فطری و الهی بشر می‌باشد.

■ از ژاپن بیاموزیم!

به طور کلی، در بسیاری از فرستنده‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، مسائلی مطرح می‌شود که انسان از بیان آن‌ها شرم می‌کند. این برنامه‌ها تهدیدی علیه عفت عمومی، اخلاق اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، اقتصاد ملی و کانون گرم خانوادگی، همراه ایجاد تنش‌های روانی و مشکلات خانوادگی و پی‌آمدهای منفی اجتماعی و در نهایت، تهدید علیه امنیت ملی هستند. از این‌رو، درکشورهایی مثل ژاپن، ممنوعیت ماهواره به سختی اجرا می‌شود. با این‌که ژاپنی‌ها از کشورهایی بودند که نزدیک به نه سال، ماهواره‌شان بر فراز کره جنوبی، فقط فرهنگ ژاپنی را تبلیغ می‌کرد، ولی با این حال، خودشان به هیچ وجه، حاضر نیستند امواج ماهواره‌های امریکایی - اروپایی را در کشورشان تحمل کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تدبیر، ش ۲۹، سال ۳، ص ۵۲.
 ۲. «گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و عکس‌العمل‌های مردم هند»، روزنامه جهان اسلام ۱۳۷۲، ضمیمه روزنامه، ش ۷۸۹، ۷۲/۱۲/۲۱، به نقل از: مجله مجلس و پژوهش، ش ۱۱، ص ۲۷.
 ۳. «مهاجمان از پشت‌پام‌ها می‌آیند»، سروش، ش ۶۳۲.
 ۴. در این‌باره، از دو نوشتار زیر بهره جستیم:
- الف) «برنامه‌های ماهواره‌ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل آزادی اطلاعات»، سید ابراهیم حسینی، معرفت ۳۶
- ب) «عوامل تضعیف خودباوری فرهنگی»، محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، معرفت ۳۰.